

به "عقل کل" گمان شود که بدون پراتیک خاصی همه چیز را ۵۷  
 میتوان پی ربینی کرد. اگرچه این مقایسه دقیق نیست ولی بعنوان  
 مثالی برای روشن شدن مطلب کمک میکند: کمون پاریس به مارکس  
 امکان داد که شکل قدرت گیری ابقه کارکر را ترسیم کند و بسیاری از  
 نهجها در این زمینه را نیز بناسد. مینگونه است که ابراز مید آر  
 مبارزه مسلحانه در ایران سروری بود که صرف نظر از تاثیرات همه  
 جانبه و بلافاصله آن، موجود بودن راه برای مبارزه، حقانیت  
 و امکان مبارزه پیشرو را نمایان سازد. بنا بر این بحث ما این  
 نیست و نخواهد بود که آیا آغاز مبارزه مسلحانه تبلیغ و دفاع  
 از خود مسلحانه اساسا بعنوان شکل موثر مبارزه پیشرو  
 حقانیت تاریخی در اوائل سالهای ۵۰ داشته است یا نه.  
 جواب مثبت ما روشن است. <sup>۱</sup> مساله مطروحه ما در اینجا  
 اینست که با توجه به تجربه پنجساله و شرایط مادی و عینی و  
 ذهنی امروز جامعه، مبارزه مسلحانه اکنون چه منمونی دارد  
 و عمدتا در چه اشکالی باید صورت پذیرد، نقش آن و ادامه  
 آن در مرحله تدارك انقلابی چیست؟

همانطور که بیان داشتیم نیروهای پیشرو کمونیست در

---

۱- ما در اینجا از حقانیت این مبارزه توسط سازمانهای  
 انقلابی صحبت میکنیم نه از چگونگی دید هر بخش از آغاز  
 کنندگان یا درجه آمادگی آنان و غیره.

مرحله تدارك هدف مرحله ای و استراتژی خاصی را تعقیب می کند . در شرایط مشخص ایران حفظ و معرفی نیروها و انقلابی ( اثبات امکان مبارزه و شکستن یح تمکین و ناتوانی ) و مشی این نیروها ، نشان دادن ضرورت مبارزه علیه فاشیسم و دشمن بقای در قدرت یعنی سرمایه داری وابسته و امپریالیسم جهانی ، تجمع و تمرکز و بمبارزه کشیدن آگاه ترین بخشها و عناصر مبارز پرولتری در خدمت نفوذ و رسوخ در میان پرولتاریا و بردن عامل آگاهی میان توده های کارگران مهمترین و بنیانی نیروها و پیشرو است . هر مبارزه ای و هر کوشش برای تشکل نیروهای آماده باید با استراتژی خواست و اهداف مرحله ای کمونیستها و در نتیجه در خدمت خواست و اهداف و استراتژی نهائی آنان یعنی سرنگونی رژیم و استقرار قدرت پرولتاریائی یعنی ساختمان سوسیالیسم قرار گیرد . بدون گذار از این مرحله امکان رسیدن به هدفهای نهائی غیر ممکن است . بنظر ما یک بخش از استراتژی یعنی اعلام مبارزه قاطعانه و متوجه ساختن آماده ترین عناصر و بخشها به لزوم مبارزه انقلابی و تشکیلات پذیری و بوجود آوردن جوی سیاسی و انقلابی در بخشی از جامعه و . . . با مبادرت به مبارزه مسلحانه با موفقیت تعقیب شده است . آنچه که باید توجه شدید ما را بخود معطوف کند بخش اساسی این استراتژی یعنی تشکل هر چه وسیعتر

نیروهای آماده با سلاح تئوریک سبیل یافته و رسوخ و نفوذ  
در میان توده های کارگری، ایجاد پایگاه در پرولتاریا بمنظور  
جوش خوری بیشتر با توده در زمان رشد توده ای مبارزات  
کارگری یعنی ساختمان حزب از درون طبقه است. از دریچه  
این ضرورت است که به مبارزه مسلحانه و نقش آن در این  
مرحله مینگریم.

\* \* \*

www.KetabFarsi.com

بارها در جنبش انقلابی تحت شعارهای مختلف مسائلی

در مورد بقاء یا عدم بقاء سازمان و اهمیت آن مطرح شده است و ما لازم میدانیم که بیکی از مسائل یعنی تئوری شهادت و عدم اهمیت بقاء کادرها و سازمانها در مقابله با تراپور - تونیستی اصل بقاء اشاره کنیم . از آنجا که تئوری بقاء بقسا منفعل، بطور کلی افشاء شده است ما به آن طرف جریان یعنی تئوری شهادت میپردازیم .

در شرایطی که کمونیستهای انقلابی اقلیت کوچکی را تشکیل میدهند و وظیفه تاریخی بس گرانی را بعهده دارند وقت روی کادرهای انقلابی برای ادامه موثر مبارزه شان یکی از مهمترین وظایف سازمانی ما را تشکیل میدهد. این ابراز که حفظ و باقیماندن اینان مسئله ثانوی و نابودیشان بدون تاثیر مهم انقلابی است چون د یگرانی جای آنان را میگیرند و مبارزه شان را ادامه میدهند ، چون دستهای دیگر تفنگ آنان را برمیگیرند و سازمان د یگری بجای سازمان منحل شده مبارزه را رهبری خواهد کرد ، در پاین صورت کلی در مرحله تدارك میتواند ضربه بزند ، بخصوص هنگامیکه این تز اعلام میدارد که امکان تماس با تسوده ها فراهم نیست و جلب افراد بسازمان از طریق تماس فردی و آموزش چند نفره و طی روندی بسیار سخت و

پیدا و انجام میدهد . زمانیکه انتقال تجربه عناصر پیشرو به  
دیگران بسیار کند و فردی صورت گرفته و جنبش کمونیستی  
جوان میهن ما کادرهای با تجربه و متبحر در تئوری و  
سازماندهی بسیار کم دارد ، زمانیکه ابراز میشود فقط در  
تشکل اصلی موجود باری از سنت و تجربه را با خود دارند  
و در شرایط فاشیستی هیچ تشکل دیگری نتوانسته است پا  
بگیرد ، در این ابرازات بین از هر چیز اصل حفظ تشکیلات  
و کادرهای انقلابی کمال اهمیت خود را آشکار میسازد و این  
سؤال مطرح میشود که آیا میتوان در مرحله تدارک امید  
داشت که دیگرانی بسادگی جای آنان و سازمانشان را بگیرند .  
البته واضح است و احتیاجی به توضیح نیست که این حفظ  
و بقا بمعنای حفظ بقای منفعلی بمعنای مبارزه نکیم تا باقی  
بمانیم نمی باشد . لیکن از طرف دیگر عناصر زید و کمونیست  
وظیفه دارند در شرایط فاشیستی نیروی فراوانی را صرف بقا  
خود کنند . فرق آنان با اپورتونیستهای بی عمل این نیست  
که اپورتونیستها فکر حفظ خود و کمونیستهای انقلابی بطور  
انتزاعی فکر انقلابند ، بلکه اینستکه اپورتونیستها فقط فکر حفظ  
و بقای خود هستند و در نتیجه در شرایط فاشیسم خونخوار بزرگترین  
گرایش به بیعملی را دارند ولی کمونیستها با توجه اکید و همه جانبه در  
حفظ و بقای خود در مبارزه و پراتیک انقلابی از خطرات و

سختیها و شهادت باکندارند. بیمطلان، خارج از ضرورت مبارزه - انقلابی، مساله بقا را مطرح ساخته و بآن جواب میدهند و از این جواب، مبارزه انقلابی، تشکل و غیره را استنتاج میکنند در حالیکه انقلابیون پیشرو کمونیست با شناخت از ضرورت مبارزه انقلابی و دست آزدن بآن به مسئله حفظ و بقا، خود اهمیت تام میدهند. اهمیت ندادن به حفظ و بقا، سازمان و کادرها یعنی جدا دیدن مبارزه از مبارزین، جدا ساختن هدف از انسان، نفی آموزش و رسالت انسانهای متشکل کمونیست، باز گذاشتن راه برای اپورتونیستهای بی عمل که "باقی" بمانند تا در آماده ترین شرایط و در حالت ضعف و اضمحلال نیروهای پیشرو کمونیست غربی دیگری به پیکره جنبش توده ای رشد یابند. وارد سازند، یعنی خالی کردن زمینه مبارزه از مبارزین واقعی پرولتاریائی که بدون توجه به بقا، خود تحت تئوریهای انحرافی شهادت با استقبال خطرات مرگ میروند، هر خطری را استقبال میکنند، یعنی تبدیل انقلاب - بیون پرولتری به پهلوانان رزمجو، یعنی خلع سلاح شدن در مقابل اپورتونیستهای رنگارنگ و منحرف. همانطور که اشاره کردیم اصل صرف نیرو بخاطر حفظ و بقا، سازمان و کادرها همیشه و مخصوص زمانی اهمیت اساسی دارد که امکانات مبارزین پرولتری تا این حد ضعیف است. بنابراین در

۶۲ - شرایط شاعر تدارکاتی "عمل نکنیم تا باقی بمانیم" از نظر تاریخی و نتیجه نهایی آن با "عمل کنیم تا باقی نمانیم" در روی یک سکه، واگذارن میدان به اپورتونیسیم تسلیم طلب و محافظه کار و نفی رسالت مبارزاتی است. کمونیستهای انقلابی نه "انسانهای خارق العاده" و نه "از سرشت ویژه اند" لیکن به طور مشخص در این شرایط با پین شرطهای خاص و برای روند انقلابی جامعه، وظایف ویژه ای را دارا می باشند. این ویژگی (اقلیت کوچک) تا زمانی حفظ میشود که گذار پیروزمند از مرحله تدارک انقلابی صورت گیرد و جنب و تشکیلات انقلابی توده ای بنحیه ظهور برسد و نه همواره و جاویدان. عبارت دیگر تا زمانی که توده های وسیع ملیونی آگاهی کسب نکرده و در جهت منافع انقلابی خود حاضر به همه فداکاری ها و گذشتها نمی توانند باشند، یعنی تا زمانی که مقاومت و مبارزه انقلابی در سطح اقلیت کوچکی انجام می پذیرد، این اقلیت پیروز ویژه گیهای خاص را باید داشته باشد و دارد. از این نقطه نظر بکار برد درست نیرو و ارزش گذاری بکارهای انقلابی و حفظ و بقاء تشکلهای انقلابی بعنوان یک تفکر و تحلیل در مقابل اصل شهادت قرار میگیرد و قبول هر یک از این دو اصل متضاد، در پراتیک سیاسی هر سازمانی متبلور میشود.

حال به وظائف و نقش نیروهای پیشرو از نقطه نظر آن که  
با اساس بینشی ما ارتباطی حتمی و ارگانیک دارد اشاره  
میکنیم.

از نظر بینش و ایدئولوژی، سازمانهای کمونیستی، سازمان  
هائی با دید آوانتوریستی، برخوردارند و پیشرو گرا نیستند  
آنها بر این اعتقاد نمی باشند که اراده و مبارزه پیشاهنگ  
تعیین کننده تاریخ است و فقط لازم است که پیشاهنگ اراده  
کند و براه بیافتد تا خلقها آزاد شوند. سازمانی کمونیستی  
بطور عمیق و همه جانبه ای از واقعیات و شرایط مادی و عینی  
انقلاب حرکت میکند. موتور پیشرو انقلاب در شرایط مادی و  
عینی آماده میتواند تاثیر بگذارد. یعنی آگاهی، اراده و  
پراتیک مبارزه انقلابیون پیشرو تسریع کنند و تکامل دهند تغییراتی  
است که بطور پتانسیل و خارج از اراده آنان وجود دارد، که  
شرایط مادی و عینی جامعه آستان آن تغییرات هستند. فقط  
وجود پتانسیل شرایطی آستان تغییر است که تاثیر اراده و  
آگاهی انقلابیون را ممکن میسازد و بر زمینه آماده شرایط  
آستان تغییر پذیر، تغییرات اساسی انقلابی را، تحولات



۶۵ - اساسی را، بواقعیت در میآورد . همواره آن امکانات و هستی پتانسیل مقدم ، و آگاهی سیاسی و اراده انقلابی بنسبت آن ثانوی و در انقلاب ماکملند . هیچ يك بدون دیگری نتیجه مالموب نمی دهد لیکن اولی را نمی شود اساسا با فکر، اراده و دانش انقلابی خلق کرد بلکه زمینه ایست که فکر و اراده و دانش انقلابی آنها بقول مارکس پیش رو میآید و با شناخت درست از قانون مندین این واقعیت میتواند آنها تغییر و تحول انقلابی دهد . نیروهای پیشرو انقلابی تضاد کار و سرمایه را باعث نمی شوند ، بحران عمومی اجتماعی - اقتصاد را بطور اساسی خلق نمیکنند (هرچند که میتوانند در اوج و تظاهر آن و حتی در مرحله ای در تشدید آن شرکت داشته باشند) بلکه با آن مواجه میشوند و درست بخاطر این شرایط آبستن تحول است که آنان پیشرو واقعی انقلابند و عکس این صادق نیست که چون انقلابیون پیشرو وجود دارد شرایط انقلاب ساخته میشود .  
يك نکته دیگر را باید تاکید کرد و آن اینکه وجود پتانسیل تضاد اجتماعی بخودی خود کافی نیست . شرایط آبستن تحول آنزمانیست که رشد اجتماعی - تاریخی تضاد بدرجه ۲ رسیده باشد که در گیربهای حاد طبقاتی علامت آمادگی  
شرایط انقلابی باشد . پس آنچه که در ابتدا مهم و تعیین کننده است شرایط مادی و عینی و آنچه که اصولا کمونی و

و تکمیل کننده است آگاهی و اراده انقلابیست. آگاهی و دانش انقلابی که در توده ها نفوذ میکند به نیروی مادی عظیم و تاریخساز بدل شده و در نتیجه در انقلاب تعیین کننده میشود. حال اگر قبول کنیم که شرایط امروز شرایط تدارکاتی است و شرایط عینی انقلاب هنوز آماده نیست، باید بپذیریم که روی آوردن توده ای به مبارزه سیاسی - انقلابی در این مرحله و در شرایط فعلی ممکن نیست. یعنی مبارزه انقلابی هنوز در فاز توده ای شدن نمیباشد. که هیچ مبارزه ای نمی تواند توده ها را (منظور ما همواره کارگران و زحمتکشان است) بلافاصله بخروش عظیم وادارد و بخود جلب کند بلکه کار بسیار دراز مدت سیستماتیک توسط متشکل ساختن آماده ترین عناصر در توده های معترض (یعنی آماده ترین بخش) لازم است. یعنی مرحله، مرحله کار سلولی و پایگاه سازی در میان توده ها از این طریق و شرکت در مبارزه شان و سیاسی کردن این مبارزات است. مبارزان پیشرو انقلابی در مرحله تدارک "سه چون ماهی در دریای حمایت مردم بلکه مانند ماهیهای کوچک پراکنده در محاصره تمساح ها و مرغان ماهیخوار" بسر میبرند. درست در چنین شرایط دشواری است که با توجه به شرایط مادی جامعه و پیش بینی رشد تضاد های اجتماعی، نیروهای پیشرو نمی توانند دست بروی دست بگذارند و

منتظر "فرصت مناسب" بنشینند. درست در چنین شرایطی است که باید با عمل انقلابی و کار سازماندهی و صیقل سلاح تئوریک، آماده‌ترین عناصر مبارزه و بیش‌از همه آماده‌ترین عناصر پرولتاریائی را متشکل گردانند و از طریق این سلولها میان توده‌ها کارگر و مبارزاتشان پل زنند. باید از این طریق امکان مقاومت و مبارزه را نشان بدهند. بجای منتظر "فرصت مناسب" ماندن با ایجاد آمادگیهای مختلف در سازمانشان از کار تئوریک تشکیلاتی تا آشنائی به سلاح و عملیات مسلحانه، از بخش اعلامیه تا عملیات تبلیغ مسلحانه، خود را بران بهره‌گیری کامل انقلابی از "فرصت مناسب" آماده سازند. اگر همچون ماهیانی کوچک و پراکنده در محاصره تمساحها و مرغان ماهیخوار قرار دارند باید وسیله مقاومت و دفاع در مقابل تمساحها و مرغان ماهیخوار را داشته باشند. اگر می‌خواهیم آماده‌ترین عناصر روشنفکر و پرولتاریا را بسیج و متشکل سازیم و از آن طریق سلولهای تبلیغی و مخفی کارگری در کارخانه‌ها و محل اجتماعات کارگران و زحمتکشان بوجود آوریم باید به آماده ساختن جو سیاسی پیردازیم و تبلیغ سیستماتیک سیاسی کرده و تعلیمات سیاسی دهیم. در اینجا است که با توجه به شرایط سیاسی ایران، استقرار فاشیسم در مذبح‌پهلوی، سازمان سیاسی - نظامی ضرورت و حقانیت

خود را نشان می‌دهد. در رابطه با عامل فوق است که در این مرحله، مبارزه مسلحانه خصلتی اساساً تبلیغی و دفاعی دارد، تبلیغ روشنگرانه برای توده‌های مردم و نشان دادن امکان و ضرورت مقاومت و مبارزه با آنان، تبلیغ خواسته‌ها ضد فاشیستی مردم و ضد کاپیتالیستی کارگران، تبلیغ و تعلیم آماده‌ترین عناصر و فراخوانی عملی آنان برای مبارزه متشکل کمونیستی، تبلیغ سیاسی و اعلام موجودیت مبارزه که اینهمه خود آماده ساختن جو سیاسی نیز هست، دفاع از خود مسلحانه در شرایط فاشیستی و از این طریق بوجود آوردن امکان حرکت و ادامه مبارزه در کنار رعایت اصول مخفیکاری برای کارهای انقلابی پیشرو. پس عملیات مسلحانه، یا سیاسی - نظامی بودن سازمان به هیچ وجه باین معنا نیست که گروهی کوچک می‌خواهد با انجام و ادامه عملیات توده‌ها را به مبارزه مسلحانه جلب کرده و مسلح سازد یعنی موتور بزرگ را بکار اندازد و جنگ توده‌ای بپا دارد. بهیچ وجه این هدف را تعقیب نمی‌کند که با ادامه عملیات ضربه‌زنی و تعرضی، حاکمیت رژیم را متزلزل و اعمال قدرت طبقاتی را مختل سازد و آنرا با توده‌ای شدن مبارزه مسلحانه که از طریق این عملیات و در طول ادامه آن صورت می‌گیرد سرنگون کند. این آن چیزی است که اپورتونیست‌ها و رویزیونیست‌های رنگارنگ

بارها به سازمانهای سیاسی - نظامی نسبت داده و خود را با دفاع دروغین از توده ها و نقل و قولهای بی رابطه از انقلابیون بزرگ گیتی در موضع توده خواهان نشان داده و به تخطئه مبارزات مسلحانه پرداخته اند . اگر ما اعتقاد داریم که بدون مبارزه مسلحانه انقلاب ایران پیروز نخواهد شد و آنرا بدقت میتوانیم ثابت کنیم بدین معنا نیست که پس سازمانهای سیاسی - نظامی پیشرو با عملیات فعلی خود و ادامه آن ، با شکل فعلی مبارزه و عملکرد های انقلابی ، همان هدفهای نهایی انقلاب مسلحانه را تعقیب میکنند . بدین معنا نیست که عملیات مسلحانه امروز آرام ، آرام قدرت حاکم را منحل ساخته و توده های پرولتاریائی را مسلح میسازد تا ضربه آخرین را بر پیکر نیمه جان ارتجاع وارد سازد . هدف ما از تبلیغ باید صرف نظر از تاثیر تبلیغات بروی آماده ترین عناصر و تشکل بخشی آنان ، تبلیغ سیاسی در میان توده مردم باشد و در شرایطی که بآن اشاره کردیم این تبلیغ سیاسی می بایست از پشتیبانی اسلحه و زیرحفاظ آتش برخوردار باشد . عملیات تعرضی نیز خصلت تبلیغی و سیاسی دارند یعنی عمدتاً و اساساً بخاطر تضعیف گاد رهای دشمن از طریق نابودیشان و یا نابود کردن مؤسسات دشمن و از این طریق در هم شکستن قدرت حاکم او نیست . این

تبلیغات مسلحانه و عملیات باین خاطر صورت نمی گیرد که کارگران از خواب غفلت بیدار شده و دسته دسته سلاح برگیرند . زمانیکه در میان توده ها کار تبلیغی سیاسی ایدئولوژیک وسیع نشده است و پایه های لازم این تبلیغ و تعلیم وجود ندارد ، زمانیکه توده های ملیونی حتی بسه مبارزات مطالباتی - اعتراضی نمی پردازند ( در نتیجه با آنها نمیتوانیم بطور وسیع و در مبارزه برخورد کنیم و در میانشان برویم ) ، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که آنها با چند عملیات به حقانیت سیاسی مبارزه انقلابی پی بوند و به رسالت تاریخی خود آگاه شوند و اسلحه بدست بگیرند . چنین نظر بنا بشرایحان که آنها شرایط تدارکاتی نامیدیم و بنا به آرایس نیروها و قدرت امکانات انقلابیون پیشرو و پایه توده ایشان آوانتوریستی و محکوم بشکست است . پس عملیات چریکی و تبلیغ مسلحانه امروز و سازمان سیاسی - نظامی آن موتور کوچک نیست که موتور بزرگ را بحرکت در آورد ، بلکه وظائف تبلیغی و دفاعی خاص را در استراتژی مرحله ای که بازگوشد بعهده دارد . سازمانهای سیاسی - نظامی ، تشکیلات پیشرو انقلابی در این مرحله سازمانهای با قدرت آتش و امکانات نظامی هستند که با آماده ساختن جو سیاسی و با برخورد آر ارتبلیغ مسلحانه و دفاع از خود مسلحانه قادرند در جهت

آن مهمترین و تأییدیه مرحله تدارك ، یعنی آگاه و متشکل ساختن  
آماده ترین عناصر ، جلب و جذب آگاهترین بخشهای پرولتار-  
یائی و عناصر پیشرو کارگری برای پل زدن میان توده های  
کارگران اقدام نمایند . با آمادگی و قدرتمندی تئوریک و عملی  
تشکیلات خود و تولید وسائل و امکانات بیشتر برای تبلیغ و  
کارسیاسی در توده ها مرحله "انتظار" تغییر شرایط را بسا  
پراتیک انقلابی سپری کرده و قدم بقدم به هدای آخرین کار  
انقلابی در مرحله تدارك نزد یکتر میشوند . با آماده ساختن  
خود و وسعت بخشی تبلیغات و تعلیمات انقلابی و تشکیلات  
رزنده پیشروی یکی از آحاد شرایط تدارك ، یعنی عدم وجود  
تشکیلات پیشرو با امکانات کار در طبقه و مجهز به مشی و  
تئوری و برنامه عمل آزموده شده و دقیق ، را مرتفع ساخته  
و بهترین امکان و زمینه را برای در هم آمیزی با توده ها در  
رشد و حدت تضادها و نارنجیاتی ها و وسعت گیری  
لازم جنبش ها ، وسیع مطالباتی و اعتراضی فراهم میآورند .  
اکنون بین از پنجسال از آغاز مبارزه مسلحانه میگذرد .  
فداکاران و کوشش انقلابی مبارزین و سازمانهای جنبش  
مسلحانه اولین نتایج خود را ببار آورده است . پس از پنج  
سال مبارزه مسلحانه ، مقاومت در زندانها و تبلیغ در داخل  
و خارج کشور نمیتوان ادعا کرد که آماده ترین بخشهای مردم

متوجه وجود مبارزه حاد علیه ارتجاع و وجود سازمانهای انقلابی پیشرو نشده اند. اگر از ابرازات سازمانهای انقلابی درون کشور حرکت کنیم، این سازمانها خود را تثبیت کرده و در سطح جامعه اعلام داشته اند. تصور این امر که تحت حاکمیت پلیس حاکم هیچ مبارزه و سازمانی نمی تواند ادامه حیات دهد لااقل در این بخشها، در میان دانشجویان، روشنفکران، میان عناصر کارگری آگاه، میان خرد بورژوازی معتز و... باید شکسته شده باشد. اگر اینطور است پس کدام بخش از وراثت سازمانهای پیشرو کمونیست در مرحله تدارک هنوز اجرا نشده است؟ شک نیست بخش اساسی یعنی تشکل وسیع عناصر آماده و نفوذ در میان پرولتاریا و آماده ساختن زمینه تماس سیاسی توسط سلولهای کارگری صورت نگرفته و شاید هنوز آغاز هم نشده باشد. بعبارت دیگر همین که سازمانی تثبیت و در سطح جامعه اعلام شد، زمانیکه سازمانی پیشرو به حل قسمتی از مشکلات اولیه تئوریک و سازماندهی و انجام یکسلسله عملیات و فعالیتهای نظامی و سیاسی موفق گشت می بایست عمده نیروی خود را موجه کار در میان کارگران (بخصوصاً خاص) و در میان توده های معتز (بخصوصاً عام) سازد. قدرت خود را مبرور کند باینکه در میان توده های طبقه نفوذ کرده پایه های اولیه سازماندهی



۷۳ برای تبلیغات سیاسی را بوجود آورد . عملیات مسلحانه و تبلیغ مسلحانه خود را نیز عمدتاً در خدمت این هدف قرار دهد و شکل و محتوای آنرا برحسب آنچه سازماندهی و کار سیاسی لازم میآورد تطبیق دهد و فقط در مواردی که سازماندهی کار سیاسی لازم میکند به عملیات مسلحانه بپردازد . معیناً باید گفت و تاکید کرد که از يك طرف تبلیغ، جلب و تعلیم عناصر آماده و از آن طریق وسعت بخشی تا در برگیری بخشهای آماده برای مبارزه فقط با اجرای عملیات مسلحانه غیر ممکن است! (از طرف دیگر

---

۱- دلیل این امر روشن است . زحمتکشان با عملیات خارج از محدودده زندگی روزانه شان در بهترین حالت میتوانند احساس همبستگی انسانی و نه سیاسی کنند . برای استنتاجات آید . ثولوزیک و سیاسی، معرفت آید ثولوزیک و سیاسی لازم است . اوضاع زندگی و دستگاه تحمیق رژیم و شرایط سخت و عدم دسترسی به علوم اجازه نمیدهد که آنان را سا به تحلیل لزوماً همواره در دست مسائل بپردازند . آنها اساساً از داشتن معیارهای تحلیل ، تازمانیکه به ماهیت طبقاتی خود و آید ثولوزی انقلابی دست نیافته اند بی بهره اند . آنان در ابتدا باید با حرکت از جهانی که میشناسند و به کمبودهای آن واقفند ، جهان واقعی بزرگ و سیستم حاکم را بشناسند . حال اگر بیاور اخص تحت تاثیر عملیاتی مانند اعدام فاتح کمی بخود آیند و از آن استقبال کرده و آنرا تصدیق کنند تازه احتیاج بکار سیاسی و سیستماتیک در میان آنانست که از این تکان اولیه برای آگاه ساختن شان استفاده شود . در غیر این صورت اعدام انقلابی فاتح یکی از حوادث خوب باقی میماند که تکرار آن خوشحال کننده لیکن بدون تاثیر سیاسی میباشد . این اصل بخصوص زمانی کاملاً صدق میکند که کارگران در يك جوش و خروش شدید مبارزه مطالباتی و اعتراضی نباشند و زمینهای برش سریع آموزش در يك عمل انقلابی را نداشته باشند .

پیشرو در شرایط استبداد مطلق و عدم جوش و خروش جنبش‌های وسیع خود بخودی و اعتراضی نمی‌تواند جز با آماده‌ترین بخش‌کارگران و از میان آن در ابتدا با آگاهترین عناصر تماس برقرار کند و کار توضیحی و تعلیماتی و تشکیلاتی کند. این تماسها در سطح محدود فردی باقی می‌ماند. اگر قرار باشد که این تماسها بشکل سابق ادامه پیدا کند و یک نفر، دو نفر بشوند و آنها برای جلب به عملیات مسلحانه در آن صورت ما آماده‌ترین عناصر را از محیط مبارزه اجتماعی بسیج کرده‌های که بآنها متعلقند خارج ساخته‌ایم و امکان ترویج و تماس با توده‌های یک کارگاه یا کارخانه را از سازمان سلب نموده‌ایم، تازه پس از مدتهای مدید ما چند ده کارگر چریک (مخفی) داریم که بخودی خود برای سازمان تفاوتی اساسی با چند ده چریک غیر کارگر نخواهند داشت. در اینجا است که دید و استراتژی متفاوت از جنبش مسلحانه خود را نشان میدهد. جواب باین سؤال که: ما برای چه با آماده‌ترین عناصر پرولتاریائی تحت سخت‌ترین شرایط تماس برقرار میکنیم و مشی متفاوت را در جنبش انقلابی ایران در مرحله تدارک روشن میگردانند مشی‌ئی که جلب عناصر آماده کارگر را صرفاً برای جلب این عناصر به سازمان سیاسی - نظامی و برای شرکتشان در عملیات مسلحانه میدانند و هدفشان از تماس با کارگران نیز جز

مخفی کردن آماده ترین عناصر آنها و تشکل در خانه های  
 تیمی و تعلیمات نظامی دادن برای شرکت در یکی از عملیات  
 سازمان نیست و متشیقی که ضرورت جلب عناصر پرولتاریائی را  
 بخاطر موانع آنها در پروسه تولید، خصوصیت محیط و زندگی  
 آنها و ضرورت نفوذ و تبلیغ سیستماتیک میان توده های کارگری  
 و از این طریق شرکت در مبارزه طبقاتی آنان و هدایت و  
 سیاسی کردن آن مبارزات و توده های کارگری دانسته و  
 ساختن سلولهای کارگران را اساسی ترین آحاد پل زنی به  
 میان کارگاهها و کارخانه ها و ایجاد پایگاه تبلیغی - ترویجی  
 در محیط و میان کسانی که تئوریهای کمونیسم علمی انعکاس  
 ناریخساز خود را پیدا میکند، ارزیابی میکند و از این لحاظ  
 این تماس را حتمی و لازم میدانند. متشیقی اول در بهترین  
 حالت، جلب کارگران آماده را با حرکت از یک اصل عام که  
 در مورد مشخص درست نیست دلبسته میکند و آن این تصور  
 پی گیر بودن، رسالت داشتن، دیسیپلین پذیر بودن کارگران  
 است که مارکس و لنین به پرولتاریا نسبت میدهند و کاملاً  
 درست است. لیکن پرولتاریا چنین خصوصیتی دارد و نه  
 هر پرولتر. بهمین جهت اگر مقصود از جلب عناصر پرولتاریا  
 صرفاً شرکت این عناصر در عملیات مختلف چریکی است که باید  
 گفت خصوصیت این عناصر عضو سازمان لزوماً با خصوصیات عناصر

دیگر عضو مهمین سازمان ها فرقی ندارد . پس جلب عناصر  
پرولتاریا برای مبارزه از یک اصل عام و از یک انتزاع و عشق  
رومانتیک بکارگران ، از یک تالیق نادرست و یکسان دانستن کل  
و جزء سرچشمه میگیرد .<sup>۱</sup> مشی دوم اما بر یک واقعیت  
تاریخی استوار است تمام خصوصیت و رسالت پرولتاریا را در  
نظر میگیرد و بهمین جهت میخواهد و ضروری می بیند که  
در میان توده پایگاه بسازد و کار سیاسی انقلابی کند .<sup>۱</sup> و  
وظیفه دارد ایدئولوژی سوسیالیستی را بعیان توده های  
کارگر ببرد . پیشرو بایدبادر هم آمیزی با توده های طبقه  
خود اصالت هر چه بیشتر انقلابی یافته و حرکتی اجتماعی  
را باعث شود ، حرکتی که عمدتاً و اساساً بوسیله خود همان  
توده ، توده های آگاه طبقه - طبقه ای که از حالت در خود  
به حالت برای خود در خواهد آمد - صورت میگیرد و انقلاب  
را بسرانجام میرساند . از اینروست که مشی دوم جلب و جذب  
آگاهترین عناصر پرولتاریائی و سلول سازی کارگری در کارخانه

---

۱- این ابراز که گویا یک یک کارگران برای مبارزه مخفی و تشکیلاتی  
از یک یک روشنفکران بهتر و آماده ترند غیر واقعی و از تحلیل  
بسیار انحرافی و فهم غلط از مارکسیسم ناشی میشود . کارگران  
در طبقه ، رسالت تاریخی دارند و از همه اقشار و طبقات  
دیگر نظم پذیرتر ، انقلابی تر هستند .

— ها و کارگاهها را سرورن می بیند، چه هدفش کار در میان کارگران است. از آنجائیکه نفوذ و کار سیاسی مداوم و جمع بندن از اوضاع زندگی زحمتکشان و شرح شعارها و تاکتیکها يك سازمان کمونیستی در ارتباط با مبارزات کارگری سرورتنی تام دارد و کارگران آگاه بهتر از هر روشنفکری می توانند در محلهای کار و زندگی خود حرکت کنند بریدن آنان از محیط بمعنای حذف بهترین امکان کار در میان کارگران و از نظر سیاسی — ایدئولوژیک بوده و گویای انحراف عظیم است<sup>۱</sup>.

کارگران بهتر از هر کس دیگر میتوانند در محیط کار خود عمل کنند و رفتن غیر کارگران (بعنوان يك اصل همبستگی) به کارخانه ها علاوه بر غیر ممکن بودن آن در شرایط امروز بیشتر نیز خواهد بود<sup>۲</sup>. از اینرو ساختن پلهای ارتباطی توسط

۱ — ما در اینجا از يك پراتیک و مشی صحبت میکنیم و منظور — مان نیز استثنائات نیست چه بسا پیش میآید که کارگری بخاطر مسائل سازمانی و زمستغوری مخفی شود. لکن این گویای این طرز فکر نیست که اعضای کارگر سازمان سیاسی — نظامی باید فوراً مخفی شوند و در عملیات نظامی شرکت کنند.

۲ — کاری که بسیاری از انقلابیون یا انقلابی نمایان بعنوان طرز کار اساسی و دایمی در میان زحمتکشان میدانند و بلباس کارگر و دهقان به دهات و کارخانه ها رومی آورند — البته ما برای مرحله اول کار و استثنائات مقتضی مخالف این عمل نیستیم ولی آنرا بعنوان يك مشی اصلی و دایمی (نه تاکتیک مرحله ای) مردود می دانیم.

سلولهای کارگران اهمیتی تعیین کنند، برای کار در میان

کارگران می یابد، مشی در جهت فعالیتش بضرر تود، های

کارگراست، مبارزه مسلحانه اش نیز در هر مرحله چنین سستی

دارد و مستقیماً در خدمت پرولتاریا قرار میگیرد، مبارزه

مسلحانه سازمان کمونیستی که با شعارهای عام و تقریباً یکسان

برای همه بخشهای مردم تحت ستم آغاز شده بود در پیش

روی خود فعالیتش هر چه دقیقتر در خدمت مبارزه تاریخساز

پرولتاریا قرار میگیرد، سازمان سیاسی - نظامی که قدمهای

اول را برای آماده ساختن جو سیاسی و تثبیت خود و نشان

دادن امکان مبارزه برداشته است و موفق به جلب بخشی از

آماده ترین و آگاه ترین عناصر و تشکل سازمانی آنان شده

است با قدم بعدی در مرحله تدارک یعنی سازمان دادن

کار سیاسی و نفوذ در میان کارگران جهت اعلی خود را در

پراتیک مشخص تر ساخته و نیرو و فعالیت خود را در خدمت

مبارزات کارگران و شرکت در آن و سیاسی کردن آن سمیت

میدهد، بعبارت دیگر شعارهای مبارزه هر چه خالص تر شده

و به سیاست پرولتری مشخص بدل میگردد، در این زمان نیز

که شرایط کار سیاسی انقلابی در اساس تفسیری نکرد، است

تربیت کادرها در آشنائی با سلحه، به مسلح بودن کادرهای

مسئول و تحت تعقیب، تبلیغ مسلحانه و عملیاتی در خدمت

۷۹ برنامه های سازمان و حفظ کاراکتر سیاسی - نظامی سازمان  
نمکان اهمیت انکارناپذیر دارد. برای انجام اکسیرنهای  
خاص (که شرح آن خواهد آمد) برای دفاع از خود مسلحانه ،  
برای تبلیغ مسلحانه ، حفظ کاراکتر نظامی ضرورتی حتمی دارد،  
لیکن می رود که کاملاً و مطلقاً در خدمت کار سازماندهی و نفوذ  
در میان کارگران و پیوند با آنان قرار گیرد، یعنی از عملیات  
انفجار عام و اعدام هر شخصیتی که دست آمد کم شده  
و عملیات نظامی متوجه مواردی که شرایط سیاسی در این یا  
آن زمینه آنها لازم میسازد و خود معرفت سیاسی خود است ،  
میگردد . در این مرحله از کار خراط سازمانهای انقلابی  
مسلح متعلق به « ابقات مختلف هر چه بیشتر از یکدیگر جدا  
میشود . سازمان غیر کمونیستی به عملیات گوناگون که از نظر  
سیاسی جهت واحد خاصند داشته و صرفاً مربوط به مبارزات طبقه یا  
قشر واحد از جامعه نیست ( یعنی با اجرای عملیات ضد رژیم  
بصورت عام ) مبادرت میورزد و سازمانی کمونیستی نیروی خود  
را هر چه بیشتر در خدمت تبلیغ میان کارگران و نفوذ در میان  
آنان متمرکز ساخته و مجموعه عملیات خود را هر چه دقیقتر در  
این جهت و در این خدمت قرار میدهد .<sup>۱</sup> یعنی مبارزه

---

۱ - در این مورد عملیات سازمانهای انقلابی امریکای لاتین  
بقیه پاورقی در صنف بعد

مسلحانه در خدمت مبارزه سیاسی، مبارزه سیاسی در خدمت  
 زمینه سازی و بسیج پرولتاریا. مسلح بودن یا نبودن همه  
 کارهای مخفی، برگزاری عملیات یا وقفه در آن، بگونگی  
 زندگی کارها (خانه تپیی) و ... همه و همه فقط بدور  
 محور اصلی بالا تعیین میشود.

حال به ذکر یک مسئله مهم جنبش مسلحانه امروز مـ  
 پردازیم. هر قدر بیشتر از آغاز جنبش مسلحانه میگذرد و هر  
 قدمی که بیشتر بکار سیاسی انقلابی میان توده های کارگری  
 و لزوم تشکل وسیعتر عناصر آگاه در سازمان نزد یگتر میشویم،  
 اهمیت حیاتی سازماندهی کارهای علنی و انبسط میشود.  
 توسعه و نفوذ و ارتباطات سیاسی یک سازمان انقلابی با مردم،  
 و حتی در میان بخش آماده و سمپاتیزان در شرایط استبداد  
 فقط یا عمدتاً با کارهای مخفی مسلح (کسانیکه زندگی مخفی

---

بقیه پاورقی از صفحه قبل: نمونه های مناسبی هستند، مثلاً  
 گرفتن گروگان با خواست پخش البسه و اغذیه در محله های  
 فقیرنشین و کارگری یا با خواست بالا بردن حقوق کارگران در  
 صورت شکست مکرر اعتصابات و سرکوب خونین آنها از اینجمله اند. در  
 میان نیروهای انقلابی امریکای لاتین نیز فرقی را که ذکر کردیم دیده  
 میشود. بسیاری از سازمانهای انقلابی با حمله به پاسگاه هوا انفجار  
 موسسات بزرگانی خارجی تبلیغ عام میکنند و برخی بطور خاص فقط  
 در ارتباط با کارگران و زحمتکشان شهرودند و دستبعلیات میزنند.



دارند نه کسانیکه کار مخفی انقلابی میکنند چه کادرهای  
 علنی نیز «نینند» غیر ممکن است. دشمن «لیقاتی از علنی  
 ترین و مخفی ترین وسائل برخوردار است» کنترل وسیع  
 پلیسی را در سرتا سر کشور حاکم ساخته است. کادرهای  
 مخفی مسلح حتی زمانیکه در تدارک عملیات نیستند باری از  
 خطرات را با خود حمل میکنند. باید انرژی فراوانی برای  
 کوچکترین حرکت مثلا خرید ابتدائی ترین مایحتاج یا عبور از  
 خیابان ها و کوچه ها صرف شود. دیگر اینکه ارتباط روزمره  
 با موسسات، ادارات، یا مراکز خبر مردم و بازار بسیار  
 محدود شده و یا محدود باثناقات و کسب خبر کادرهای علنی  
 است. عملیاتی که با صرف انرژی فراوان و کار شبانه روزی چندین کادر  
 مخفی (که در حین تدارک بعلمت مسلح بودن دشمنی حامل خطر  
 برای خود سازمان اند) تدارک دیده شده است عمدتاً  
 بوسائل ارتباط با توده بدل میشود. با ابتدائی ترین ایست  
 پلیس و نلن کوچک، کادر مسلح سازمان ناچار به درگیری  
 است و در اکثر این درگیریها نتیجه آن از ابتدا مشخص  
 است. رشد و توسعه و حرکت سازمان و دید سیاسی آن  
 نسبت به مردم ورزمندی و اعتقادات توده زحمتکشان هر چه  
 میگذرد محدودتر میشود. هیچ سازمان انقلابی فقط بسا  
 کادرهای مخفی مسلح یا عمدتاً با چنین کادرهایی نمیتواند

توسعه سیاسی باید • کارگران سلولهای کارگری ، سلولهای  
 تعاونی و کار در میان دانشجویان (از استثنائات بسیار کوچک  
 که بگذریم) و ... نمی توانند در شرایط زندگی مخفی ،  
 کار سیاسی پرثمری انجام دهند • بنابراین با توجه به  
 مرحله مبارزه و وثائق مرحله ای سازمان ، باید در عضوگیری  
 و توسعه ی سازمانی نیز حرکت عمده به طرف تشکیل کادرهای  
 علنی باشد • این اصل نیز با دید و تحلیل ما ارتباط مستقیم  
 دارد • کادرهای علنی از محیط عادی زندگی خود نبریده  
 اند و حرکت معمولی در زندگی عادی دارند (مگر اینکه  
 ارتباطات سیاسی آنان توسط پلیس کشف شود که در آنوقت  
 فرق با فرد دیگری ندارند) همواره برای هر حرکتی باری از  
 خطرها با خود حمل نمی کنند • سازمان با محیط زندگی  
 مردم در ارتباط مدام است • جلوگیری حتی المقدور از توسعه  
 کادر مخفی مسلح ، همانطور که گفته شد در ارتباط با دید  
 و تحلیل سازمان قرار دارد • اگر سازمانی همه افراد را فقط  
 برای انجام عملیات نظامی و عمدتاً باین خاطر (نه عمدتاً  
 برای سازماندهی و کار سیاسی) بخواهد بنابراین کادرها  
 علنی جوابگوی تقاضاهای چنین سازمانی نمی باشند و فقط  
 کارهای خبری و ارتباطی کوچک و گاهی پخش مثلاً اعلامیه  
 بعهدہ شان گذاشته میشود • سازمان این کادرها را در حد

کادربهای مخفی ارزش نمی نهد و در نتیجه این دید در تعلیمات و سازماندهی آنان نیز خود را دخالت خواهد داد و بازجراحی جدید گزینتار خواهد آمد. در مرحله تدارک با وثائق که نقل کردیم و رد نظریه موتور کوچک برای بحرکت در آوردن موتور بزرگ توسط عملیات نظامی، روشن است که حفظ کادرها، تئیس و ثنائی و مضمون مبارزه مسلحانه در این مرحله یعنی عمدتاً تبلیغ و دفاع مسلحانه و توسعه کادری سازی علنی و گذاشتن همه نیروها در خدمت سلسول سازی و نفوذ در توده اجزاء جدائی ناپذیر یک تحلیل واحدند. ما کار و سیاست سازمانی سیاسی - نظامی را در مرحله تدارک با توجه به هدفها و استراتژی مرحله ای آن چنین می بینیم. حال بطور خلاصه آنچه را که گفتیم جمع بند می کنیم:

- ۱- شرایط عینی انقلاب و شرایط ذهنی آن در جامعه آماده نیست. مرحله انقلابی امروز مرحله تدارک انقلابی است.
- ۲- عدم آمادگی شرایط عینی انقلاب (سوسیالیستی) به معنای عدم وجود زمینه مادی انقلاب سوسیالیستی نیست. با گسترش و تکامل سرمایه داری در ایران، رشد و گسترش کمی و کیفی پرولتاریا و در نتیجه تعمیق و حاد شدن تضاد کار و سرمایه، شرایط مادی انقلاب سوسیالیستی بوجود آمده.

است. در سطح جهانی نیز در کشورهای نو مستعمره با انجام رسیدن انقلاب ضد استعماری و آزاد بیخش (الوجهانی شدن سرمایه و همراه آن ضرورت و انجام انقلابات با شعارهای سوسیالیستی، انقلاب سوسیالیستی بعنوان تنها انقلاب اجتماعی در آن در دستور کار نیروهای انقلابی و طبقه کارگر قرار گرفته است.

۳- با ملیتاریستی شدن هر چه بیشتر و وسیعتر نیروها سرمایه و نمایندگان آن هیچ انقلابی بدون اعمال قهر مشخص مسلحانه پیروز نخواهد شد. از این نقطه نظر هر مبارزه خانگی مسلحانه ای آزاد استراتژیکی مبارزه مسلحانه (عام) را نیز در خود دارد. یعنی اثر از نقطه نظر تاریخی بنگریم مبارزه مسلحانه نیروهای انقلابی پیشرو هسته های استراتژیکی نیز در خود نهفته دارد.

۴- مبارزه مسلحانه امروز در ایران عمدتاً کاراکتر تاکتیکی دارد. در مرحله تدارک مبارزه مسلحانه گروهها و سازمانها پیشرو، بصورت تبلیغ مسلحانه در خدمت آمادگی جوسیاسی، اثبات امکان مبارزه، اعلام وجود مبارزه، تبلیغ سیاسی و سپهر حفظ کارها (دفاع از خود) از تجاوز فاشیستی قدرت حاکم (سرمایه داران ملیتاریستی - وابسته) است. عملیات ضربتی نیز در این

---

۱- پیدا است که منظور آزادی از استعمار کهن است.

مرحله خصلت تبلیغی دارند و تنها در خدمت تکمیل جو سیاسی قرار دارند .

۵- از آنجائیکه تدارک برای فراهم آوردن شرایط ذهنی از دیرین نفوذ در میان پرولتاریا و متشکل ساختن توده های کارگر و ساختمان تشکیلات انقلابی پیشرو کارگريستانجا همیگیر آنجائیکه نیروهای پیشرو هنوز اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل میدهند که رسالت زمینه سازن برای تشکیل حزب و بهره گیری از فرصت مناسب، یعنی رشد بیشتر تظاهرات، رشد جنبش های خود بخودی، پیش آمدن بحرانهای سیاسی و اقتصادی و ... دارند کوشش جهت حفظ سازمانهای پیشرو و کادرهای کمونیست اهمیت مهم و تعیین کننده دارد . در عین حال که تقبل هر گونه خطر شرط اولیه هرگونه فعالیت انقلابی است، معینا باید به شدت با گرایش های آوانتوریستی و بینش های که دستگیری و شهادت را نه به مثابه امری که ضروریات انقلابی در مسیر عده ای از کادرها تکرار میدهد، بلکه بعنوان "تزکیه نفس" و "امر خوب" (ایدئولوژی شهادت) تلقی میکنند مبارزه کرد .

۶- سازمانهای پیشرو پرولتاریائی پس از آمادگی نسبی جو سیاسی و معرفی و تثبیت خود بعنوان اساسی ترین وظیفه، نفوذ در میان کارگران و تعلیمات کادرهای کارگری و

تبلیغ سیاسی در میان آنان را در دستور کار خود قرار داده و حداکثر

نیرو را در این کانال بمنظور اعتلاء جنبش کارگری باید بجریان اندازند.

از آنجا که کار سیاسی در محیط های کارگری متضمن داشتن

پایگاه و کادرهای کارگرن و پی گیری کار عناصر خود است آن

محیط است که آشنائی کامل به محیط زندگی و کار خود دارند،

جو آنجا را بخوبی حس میکنند، توجه کافی هستند و از همه

مهمتر عنصری از طبقه هستند، بردن عنصر آگاهی و دانش

پرولتری و آموزش و تشکل کارگران از طریق سلولهای کارگری

باید انجام پذیرد. از اینرو جلب کارگران آماده نه بخاطر

مخفی کردن آنان و انجام عملیات مختلف چریکی بلکه مستقیماً

در خدمت کار سلولی - سیاسی در میان کارگران است.

طبیعی است که هر گاه مقتضیات سازمان و جنبش حکم کند

اینان میتوانند و باید در بخش های ضروری دیگر و منجمله

عملیات نظامی شرکت کنند ولی همواره باید حداکثر امکان

را در این موارد بکار برد.

۷- بدلیل اوضاع و شرایط سیاسی ایران کادرهای مسلح

مخفی بدون کمک و وجود کادرهای علنی (با زندگی علنی)

نمی توانند بوظائف خود عمل کنند و اساساً در شرایط

امروز هر سازمانی با اکثریت قریب باتفاق کادر مخفی،

محکوم به انفراد، کندی حرکت، تحمل قربانیهای فراوان و